نگاه

هنرمندها ناگزیرند به هنر خیانت کنند

جستاری در مورد ابعاد، کادر و قاب آثار هنری

فاروق مظلومی

انسان از لحظه تولد تا مرگ با قاب و ابعاد زندگی می‌کند. شناسنامه در لحظه تولد، ما را در چارچوب جغرافیا، حکومت، والدین و... قاب می‌کند. بعدها ما در محدوده‌های قاب‌های غیرفیزیکی فرزند، شغل، همسر، شهروند و... زندگی می‌کنیم. پس می‌توان گفت قاب‌ها فضاهایی فیزیکی یا غیرفیزیکی هستند و آخرین قاب فیزیکی ما سنگ قبرمان است با صفحه‌آرایی‌ای از نام و تاریخ تولد و تاریخ مرگ و شاید شعری لاجرم.

شاید بی‌مزار رفتن نوعی رسیدن به رستگاری آزادی باشد. قاب که از جنس مواد است، ابعاد را که از جنس غیرمادی است، تثبیت و محکم می‌کند اما اولین قاب‌سازان تاریخ هنرمندها هستند. آنها خائنانه و مستبدانه خودشان و آثارشان را قاب می‌کنند.

لحظه‌ای که ذهنیت هنری که غیرمادی است، در عینیتی مانند تابلوی نقاشی، عکس یا هر ابژه دیگر مثلا موسیقی یا ادبیات بازنمایی می‌شود، آغاز تقلیل و تحدید است. نقاشی محدود به ابعاد، موسیقی محدود به زمان و ادبیات محدود به زبان است. این اولین خیانت لاجرم هنرمند به هنر است. دومین خیانت محدودکردن همین موجود مادی به قاب و ابعاد مشخص است.

اما ابعاد تابلوی نقاشی و قاب محدودیتی است که گاهی تأثیرات مخرب روی اثر هنری می‌گذارد؛ چراکه مستطیل یا مربع که اشکال معمول برای ابعاد تابلو هستند خود دارای صداها و انرژی‌های درونی هستند که اگر از آنها غافل شویم، روی فعالیت اثر هنری تأثیر می‌گذارند و چه‌بسا آن را فعال‌تر یا خاموش کنند. اولین سؤالی که می‌توانیم در مورد ابعاد غالب و تاریخی آثار هنری، یعنی مستطیل یا مربع داشته باشیم، این است که آیا مربع و مستطیل وجه دکوراتیو اثر هنری را تشدید نمی‌کنند؟ به‌هرحال این دو شکل اصلی بیشتر از سایر اشکال مستعمل یا غیرمستعمل مثل مثلث و بیضی و چهارضلعی نامشخص و... با دیوارهای فضاهای انسان‌ساخت هماهنگ می‌شوند.

خواهیم دید انتخاب ابعاد مشخص برای یک تابلوی نقاشی یعنی پیش‌فرض یک محتوای بصری و گاهی مفهومی ثابت برای اثر هنری؛ چراکه ابعاد مختلف به دلیل نظام تربیتی ذهنی ما دارای پیام‌های بصری مختلف هستند. این منطق در مورد قاب یک تابلوی نقاشی هم صادق است. قاب‌ها با ابعاد، ضخامت، جنسیت، رنگ و بافت‌های متفاوت می‌توانند یا همراه اثر هنری باشند یا به فعالیت اثر هنری لطمه بزنند.

در مثالی آشنا می‌بینیم که ابعاد و قاب عمودی فلزی برای دریا از وسعت و تأثیر آرامش دریا می‌کاهد مگر اینکه منظور خاصی در کار باشد. صدالبته همین کادر عمودی برای دریا می‌تواند با پارادوکسی که با تصویر یک دریای آرام می‌سازد مولد یک فضای گیج‌کننده باشد.

در مثالی دیگر می‌بینیم خطوط محیطی قاب از چند مستطیل هم‌مرکز تشکیل شده است و این مستطیل‌ها با پرسپکتیو مرکزی یک نقطه‌ای می‌سازند که توجه ما را به مرکز اثر بیشتر می‌کند و این نوعی اخلال در کار هنرمند است. البته ممکن است گاهی هنرمند از این وضعیت حداکثر استفاده را هم بکند. همراه‌کردن ابعاد و خطوط قاب با اثر هنری در اغلب موارد ناممکن است اما می‌توان با پذیرش اخلال ابعاد و قاب در انرژی اثر این اختلال را به حداقل رساند.

ایمانوئل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴) در کتاب نقد قوه حکم با طرح کلمات parerga به معنی زینت و parure به معنی زیور، تفاوتی مهم بین ضمائم اثر هنری می‌گذارد. از نظر کانت، اگر قاب اثر هنری یا تن‌پوش‌های پیکره‌ها یا ستون‌های اطراف بناهای مجلل به واسطه صورتشان صرفا به عنوان یک ضمیمه در خدمت رضایت ذوق باشد، پارگاست. اما اگر مانند قابی طلایی صرفا برای سفارش و توصیه تابلو به کمک جذابیت خود به کار رود در این صورت parure یا زیور نامیده می‌شود و به زیبایی اصیل صدمه می‌زند.

در کتاب نقد قوه حکم (صفحه ۱۳۰-۱۳۱ ترجمه عبدالکریم رشیدیان)، «پارگا» برای کانت شامل همه چیزهایی می‌شود که به اثر هنری پیوسته‌اند اما جزئی از صورت یا معنای ذاتی آن نیستند؛ مانند قاب نقاشی، سرستون‌های قصر، یا تزئینات پارچه‌ای روی تندیس‌ها. اینها تزیینی و آرایشی‌اند و ضمیمه‌شده یا تکمیل‌کننده زیبایی ذاتی اثر هنری‌اند. پارگا اثر را توسعه می‌دهد اما جزئی از آن نیست. آنها با اثر همانند هستند بدون اینکه این‌همان باشند و متعلق به اثر هستند درحالی‌که نسبت به آن ثانویه و فرعی‌اند.

می‌شود گفت قاب برای اثر و در خدمت اثر است، اما گاهی و به‌ویژه در حراج‌ها مشاهده می‌کنیم که سطح اشغال‌شده توسط یک قاب مجلل از خود اثر بیشتر است و اگر با اثر هنری آشنا نباشیم، احتمالا اشتباه کنیم که یک اثر هنری بی‌اهمیت را برای نمایش قاب درون قاب گذاشته‌اند. درست مثل قاب‌سازی‌ها که گاهی یک عکس منظره یا پرتره بی‌اهمیت را داخل قاب می‌گذارند.

ژاک دریدا (۱۹۳۰-۲۰۰۴) در کتاب حقیقت در نقاشی در بحث قاب، در پی این است که چگونه ساحت پژوهش زیبایی‌شناختی در فلسفه کانت ظاهر می‌شود؟ یعنی چگونه زیبایی‌شناسی می‌کوشد خودش را تعریف کند تا مرزهای خودش را مجزا کرده و فعالیت‌ها و غایات متمایزی را به خودش نسبت بدهد.

در بخشی از چکیده مقاله‌ای از امیر نصری و حیدر زاهدی در مجله پژوهش‌های فلسفی می‌خوانیم:

«نخستین مقاله کتاب حقیقت در نقاشی، «پارارگون/-Parer gon»، را بعضی به «پیرامون کار» یا «پیراکار» ترجمه کرده‌اند. اما «پارارگون» برای دریدا چیزی بیش از معنای لغوی صرف است. در بیان بی‌مأوایی پارارگون، دریدا آن را «نه کار و نه بیرون از کار» می‌داند، «پارارگون نه در درون جایی دارد و نه در بیرون، نه در ماوراء و نه در مادون قرار گرفته است». دریدا این واژه را از نقد سوم برگرفته است».

این جستار این سؤالات را تشدید می‌کند: آیا محدودیت ابعاد برای آثار هنری به‌نفع اثر است یا همواره مخل فعالیت اثر است؟ اگر مخل است راهی برای فرار از این اخلال وجود دارد؟

گفت‌وگو با عبدی اسبقی به بهانه انتشار کتاب و نمایشگاه مروری بر آثارش

هنر؛ زنده به کتاب

شهرزاد رویائی

تماشای زیبایی عناصر با تمام جزئیات در ترکیب‌بندی‌های چشم‌نواز، نخستین دستاورد ما در مواجهه با هنر عبدی اسبقی است. اما در تأملی بیشتر، مواجهاتی مکرر و ملاقات با جهان اسبقی در بیرون از بوم نقاشی، دیگر فقط زیبایی بصری نیست. هویت در گذشته و حال، نگاه سیاسی و اجتماعی، هراس و مرگ همگی در زیباترین لحظه بودنشان خلق شده‌اند. او به دنبال چیزی در پس چیز دیگر است و ما را نیز در این کنکاش با خود می‌برد به جایی میان روزنامه‌ها، پشت بوم‌های نقاشی و فالنامه‌های شاه‌طهماسب در کنار شیشه و گل و سنگ تا بیابیم. شاید بتوان گفت روزی با همین رویکرد، از کاغذی افتاده در کنار جوی که تبلیغ کلاس‌های آیدین آغداشلو بر آن نوشته شده بود، به تکه‌ای جداننشدنی از هنر معاصر ایران راه پیدا کرد. مخاطب برای درک هنر او جزئی‌نگر می‌شود و راهی جز این برای درک عبدی اسبقی در بوم و بیرون از بوم نقاشی نیست. اسبقی با ۳۵ سال فعالیت هنری که ریشه در کودکی و زیستش بیرون از این ۳۵ سال نیز دارد، در کتابی با عنوان «ابهام و ابهام» از نشر تالار هنر نوشته حسین گنجی، پژوهشگر هنر، ثبت شده و به چاپ رسیده است. آثارش به همراه گفت‌وگو و زندگی‌نامه‌ای که به خوبی بیانگر چرایی رسیدن او به این نقطه است، در این کتاب به همراه یادداشت‌هایی از منتقدان و مصاحبه‌هایی با او قابل رصد و جستار است. این کتاب به‌تازگی و هم‌زمان با نمایشگاهی از آثار او در گالری آرتبیشن رونمایی شده است. آثار روی دیوار در این نمایشگاه همچون کتاب مذکور، فصول مختلف هنر عبدی اسبقی از مجموعه‌های نخستینش از جمله نقاشی‌های پشت بوم (نقاشی)، روزنامه‌ها و نگارگری‌های شاهنامه، آثار روی چوب و طبیعت‌های بی‌جان متأخر از این هنرمند را شامل شد. او در این گفت‌وگو درباره کتاب «ابهام و ابهام» و آنچه در مجموعه‌های اخیرش بیان کرده است، می‌گوید.

چه انگیزه‌ای شما را به همکاری برای انتشار این کتاب مجاب کرد؟

چه اتفاقی بهتر از اینکه اکنون می‌توانم چکیده‌ای از آثارم را که در حدود ۳۵ سال فعالیت هنری پدید آورده‌ام، در یک کتاب به صورت جمع‌آوری و ثبت‌شده ببینم. به نظرم انتشار کتاب از آثار هنری، آرزوی هر هنرمندی است و اکنون برای من محقق شده است.

فرایند نگارش این کتاب چگونه رقم خورد و چه چالش‌هایی را در این مسیر پشت سر گذاشتید؟

اول از همه اینکه من تمامی نوشته‌ها، نقدها، مقاله‌هایی را که از همان سال‌های اول، یعنی از همان نخستین نمایشگاه، بر آثارم نوشته شده بود، جمع و آرشیو کرده بودم. همه اینها، چه مثبت و چه منفی، جزئی از مسیر زندگی هنری من هستند و باید ثبت شوند. همه نوشته‌ها گویای واقعیت هستند. دیگر اینکه به‌جز حسین گنجی که نویسنده کتاب است، تا یک ماه پیش از انتشار کتاب از محتوای مقالاتی که قرار بود درباره آثارم در کتاب منتشر شود اطلاع نداشتم. نظر منتقدان و کارشناسان هنری برای من خیلی باارزش است. به همین دلیل هرآنچه این بزرگان نوشته بودند بدون کم‌وکاستی در این کتاب گنجانده شد و از همه آنها ممنونم.

چگونه با مؤلف آشنا شدید و چه عاملی باعث شد مایل به همکاری با حسین گنجی شوید؟

قبل از شروع کار کتاب، ایشان را یکی، دو بار، هرچند کوتاه، در مراسم‌ها و گردهمایی‌هایی در گالری دیده بودم و صحبت‌های کوتاهی مخصوصا درباره بهره‌گیری من از روزنامه در نقاشی‌ها داشتیم. همچنین او را بابت مقاله‌های هنری‌شان که در روزنامه‌ها و همچنین در مجله آنگاه و دیگر مجلات می‌نوشتند به‌خوبی می‌شناختم.

با انتشار این کتاب بیشتر درصدد انتقال چه پیامی به مخاطبان بودید؟

همان‌طورکه پیش‌تر هم اشاره کردم، آشناشدن مخاطب با نقاش مهم است. آن‌هم مخاطبی که شاید هنرمند را از نزدیک ندیده و با کارش آشنا نباشد و به‌خصوص نقاشی که در عصر معاصر زندگی می‌کند و دلش با سرزمین، فرهنگ کهن‌سال و مردمش است و گوشه‌چشمی هم به مسائل و مشکلات اجتماعی دارد.

به نظرتان کدام وجه از زندگی شخصی شما در این کتاب برای مخاطبان و علاقه‌مندانتان جذابیت و اثرگذاری بیشتری دارد و اساسا تا چه حد اعتقاد دارید که مخاطب باید از زندگی شخصی هنرمند آگاه باشد؟

آشنایی با زندگی شخصی هنرمند ضروری نیست، اما اگر با زندگی او آشنا باشد بهتر است. بعضی از هنرمندان از جمله بازیگرها که مقابل دید عینی مخاطب هستند باید بیشتر دیده شوند و فکر می‌کنم این اتفاق برایشان اهمیت خاصی داشته باشد، اما آشنایی مخاطب با زندگی نقاش، گرافیست و مجسمه‌ساز اهمیت خیلی کمتری دارد و شاید اصلا مهم نباشد. مثلا شما در پارک ملت یا محوطه موزه هنرهای معاصر مجسمه‌هایی می‌بینید که ممکن است از تماشایشان لذت ببرید یا نبرید، ولی نمی‌دانید کار چه‌کسانی است و چگونه خلق شده‌اند. به نظرم دانستن جزئیات زندگی نقاش برای مخاطب چندان ضروری نباشد. به‌هرحال برای هر مخاطب شاید این جذابیت و اثرگذاری متفاوت باشد، اما من در هر نقطه از مسیر زندگی‌ام به نحوی با طراحی و نقاشی عجین بودم. حتی زمانی که بنابه شرایط روی پارچه طراحی می‌کردم و در جایی که احساس کردم کارم راضی‌ام نمی‌کند، بالاخره تصمیم گرفتم کاری کنم که به طور جدی بر نقاشی متمرکز باشم و به‌هرحال از مواردی گذشتم تا به این علاقه خودم یعنی نقاشی بپردازم.

رویکرد هنری شما چطور شکل گرفت و چه تغییراتی را تا امروز در کارتان منعکس کردید؟

علاقه و تمایل به هنر اولین انگیزه حضورم در هنر بود. گویی این علاقه چیزی است که در ذات بعضی اشخاص وجود دارد بنابراین دنبال‌کردن مسیر دلخواه باعث کار فراوان می‌شود. تغییرات هم آهسته و پیوسته در کارها راهشان را می‌پیمایند و همچنان هم ادامه دارد.

آیا تألیف و انتشار این کتاب تأثیری بر روند هنر شما خواهد داشت؟

صددرصد تأثیر دارد و خواهد داشت. اولین تأثیر این کتاب دلگرمی و امید است؛ چون تألیف و انتشار کتاب ارزش و اهمیت بالایی دارد. هیچ‌چیزی جای اثربخشی یک کتاب را نمی‌گیرد، چون ماندگار است و سبب فرهنگ‌سازی می‌شود و در این مورد خاص در بیننده حظ بصری ایجاد می‌کند و از طرف دیگر انتشار افکار دیگران که درباره کار من صحبت کرده‌اند همه ارزش بی‌حدی دارند.

به نظرتان انتشار کتاب درباره هنرمندان تا زمانی که در حیات هستند چه تأثیراتی به همراه دارد؟ این کتاب در نظر خودتان شامل چه وجوهی است؟

اولین و عینی‌ترین تأثیرش خوشحالی هنرمند و امیدی است که به هنرمند برای ادامه راه می‌دهد که بیشترین سود معنوی را به یک هنرمند می‌رساند و بعد از آن ارزش تاریخ هنری و ثبت اثر برای آیندگان و پژوهشگران است که هنرمند در آینده فراموش نشود. حیف از هنرمندانی که سود معنوی ناشی از انتشار کتابشان را قبل از مرگ تجربه نکردند و انتشار کتاب بعد از مرگشان به سود مادی برای دیگران تبدیل شد.

این کتاب شامل زندگی‌نامه نقاش که من باشم، عکس‌های نقاش در دوره‌های مختلف و عکس‌های خانوادگی و عکس‌هایی از تعدادی از نقاشی‌های من وجوه مختلف زندگی و کار من را نشان می‌دهد.

آثارتان در این نمایشگاه شامل فصول مختلفی است. درباره این ادوار توضیح می‌دهید.

خوشحالم که این نمایشگاه تقریبا بیشتر دوره‌های کاری من، از نخستین روزهای کارم تا امروز، را شامل می‌شود. البته بخت هم با من یار بود که یک مجموعه‌دار خیلی قدیمی که تعدادی از کارهای من را داشت که آن کارها شدیدا آسیب دیده بودند تصمیم گرفت آن کارها را برای ترمیم و زنده‌کردن نزد خودم بفرستد. بعد از اینکه مرمت انجام شد، حسین محسنی، مدیر گالری آرتبیشن، پیشنهاد داد که قسمتی از نمایشگاه را به این چند تابلوی قدیمی اختصاص بدهیم تا نمایشگاه به مروری بر آثار من تبدیل شود. من هم با کمال میل موافقت کردم. خیلی هم خوشحالم که مورد استقبال قرار گرفت. جالب بود که بسیاری از بینندگان، تاریخ تابلوها را نگاه نمی‌کردند و فقط خود تابلوها برایشان جدید و دیدنی بود. خیلی از بیننده‌ها بعد از مطلع‌شدن از قدمت تابلوها پیش از هرچیز سن خودشان را با قدمت تابلو مقایسه می‌کردند و اکثرا یا به دنیا نیامده بودند یا یکی دو سال بیشتر نداشتند. این موضوع برای من به خاطره خیلی خوبی تبدیل شد و خوشحالم که این تابلوهای قدیمی در این زمان دیده شدند.

به نظرتان کدام دوره از خلق آثارتان به عنوان انعکاسی از هویت شما و بیانگر دوره مشخصی از زندگی شماست؟

همه کارها به نوعی انعکاسی از من و بازتابی از زندگی من هستند. کنجکاوی، ریزبینی، دقیق‌شدن، مرتب‌بودن و نظم‌داشتن از ابتدا در من بود و نهادینه شده بود؛ بنابراین حتی وقتی بوم نقاشی را از پشت هم می‌بینم، یک کنجاوی همراه با ادای دین به بوم، به پارچه بوم یا چارچوب پشت بوم در من زنده می‌شود. یا توجه به روزنامه‌ای که همان روز متولد و در همان روز هم عمرش تمام می‌شود، تازه برای من شروع می‌شود تا به دل‌خواه خودم از آن استفاده کنم و با استفاده از آن روزنامه در نقاشی شاید به آن عمری طولانی‌تر بدهم.

نیروی محرکه‌ای که شما را به چیدمانی از عناصر متضاد همچون پروانه و شیشه پر از سنگ و بیشتر طبیعت بی‌جان کشانده، چیست؟

در وهله اول، رسالت نقاشی زیبایی و ایجاد تمایل بیننده به آویختنش از دیوار است که از دو دریچه فرم و مضمون مقدر می‌شود. تابلوی نقاشی را باید به دیوار آویخت، نه اینکه آن را در انبار گذاشت؛ چون تابلوی نقاشی را باید دید و بیننده از آن احساس خوشایندی به دست آورد. کسی که تابلویی را می‌خرد، یعنی با آن ارتباط برقرار کرده است، بنابراین آن را دوست دارد. اثر را به خانه‌اش می‌برد، به دیوار می‌آویزد و از تماشای آن حظ می‌کند. مرحله بعدی داستان‌گویی یا اعتراض به مسائل اجتماعی و سیاسی و... است. همان‌طورکه شما هم متضاد می‌بینید، نشان می‌دهد که اثر ذهن را درگیر می‌کند و باعث اندیشیدن در بیننده می‌شود. حال اگر قرار باشد چنین افکاری با نوشته منتقل شود، کار نویسنده یا شاعر است. اما نقاشی نیازی ندارد تا با کلمات خودش را بیان کند، بلکه بیانش در تصویر است.

حضور کلاغ به عنوان پرنده و المانی تازه در آثار شما به چشم می‌آید؛ این عنصر در نقاشی شما نماد چیست؟

کلاغ مانند دیگر حیوانات در فرهنگ‌های مختلف یا منفور و بدیمن است یا باهوش و خوش‌یمن. همه‌چیزخوار است و در گذر سال‌ها به‌وفور در تهران حیات دارد. روزی نیست که شما از خانه بیرون بروید و کلاغ نبینید. یا روی سطل‌های زباله شهرداری نشسته‌اند یا در جست‌وجوی غذا هستند. یا می‌بینید که تکه‌ای ساندویچ به‌جامانده از شب قبل را با کاغذ دورش می‌خورند. کلاغ همیشه در پیرامون ما بوده است.

ثبت هراسی دائمی در بعضی از آثار شما مانند اثری که سنگی با طناب در بالای شیشه بسته شده است، با چه نگاه و دلیلی رخ داده است؟

من قصد فلسفه‌بافی ندارم، ولی در دو جمله دراین‌باره توضیح می‌دهم: هراس، دلهره، مرگ و به‌اتمام‌رسیدن همیشه دغدغه انسان‌هاست و من هم مستثنا نیستم. من سعی کردم و می‌کنم مفاهیم را با ترکیب‌بندی در نقاشی به نحوی خوشایندتر نشان دهم.

کتاب

کتاب باغ و پرنده در گالری عصر رونمایی شد

کتاب آثار و اشعار رضوان صادق‌زاده توسط نشر گهگاه در گالری عصر رونمایی شد. این مراسم با سخنرانی دکتر مهدی حسینی و دکتر بهنام کامرانی و حضور جمعی از هنرمندان و هنردوستان در گالری عصر برگزار شد. رویین پاکباز درباره آثار رضوان صادق‌زاده چنین نوشته است: صادق‌زاده زنان در جامگان گلدار و گاه سنگ‌ها و گیاهان را با پرداختی ظریف بر پس‌زمینه‌ای از رنگ‌های ملایم در بوم‌های بزرگ‌اندازه نقاشی می‌کند. این عناصر که در آثار او جنبه‌ای نمادین می‌یابند و به لحاظ صوری ریشه در سنت‌های نقاشی خاور دور و نگارگری ایرانی دارند، بی‌تردید به مفاهیم اجتماعی امروزین ارجاع می‌دهند.

صادق‌زاده در دوره دیگری با چیدن خشت‌هایی که لایه لایه کنار هم می‌نشینند دیوارهای بزرگی را به تصویر کشیده که از گوشه و کنارشان عناصر آثار پیشین وی همچون درخت و انسان، خاصه زنان پیدا می‌شود. این دیوارها که زوایا و برش‌های تندی دارند و کوچه‌های تودرتو را تداعی می‌کنند یادآور بناهای نسخه نگاره‌های تیموری نیز هستند.

آثار اخیر رضوان صادق‌زاده حاصل مواجهه بی‌واسطه با طبیعت است؛ همان طبیعتی که انسان را به این مقام رسانیده و زندگی به او بخشیده است. درختانی که در ردیف ابدی خود همواره نویدبخش بهاری از پی زمستان بوده و هستند. سنگ‌هایی که بنیان هستی بر آن سوار شده و پرندگانی که گویی از دل این سنگ‌ها جان گرفته و کنار هم نشسته‌اند. باغ و پرندگانی که امید به زندگی را سرودی دوباره می‌خوانند.

رضوان صادق‌زاده نقاش، عضو هیئت‌علمی دانشگاه هنر، عضو گروه هنرمندان دیوار سفید، عضو انجمن نقاشان ایران و همچنین مدیر گروه کارشناسی و کارشناسی ارشد نقاشی دانشگاه هنر است.

او تاکنون جوایز گوناگونی کسب کرده است. نفر سوم مسابقه جهانی نقاشی (کشور من در سال ۲۰۰۰) لندن و دریافت جایزه از پرنس چارلز از افتخارات او محسوب می‌شود. برگزیده چهارمین بی‌ینال تهران سال ۱۳۷۶ و منتخب دو دوره نمایشگاه نقاشی جهان اسلام شده است.

در نقاشی‌های سترگ رضوان صادق‌زاده طبیعت در سکوتی آرام و متین همه‌چیز را از درخت و سنگ و بنا گرفته تا انسان دربر می‌گیرد. در آثار او تنه‌های باریک و ظریف درختان سپیدار در هم پیچیده‌اند. نبود برگ بر تنه درختان، در کنار رنگ‌های اخرایی و نارنجی، فضا را در غمی پاییزی فرو برده است. نقاش به تأسی از رویکردی شرق‌مآبانه بخش‌هایی از نقاشی را خالی رها کرده و بدین ترتیب به ذهن مخاطب مجالی می‌دهد تا رؤیابافی کند. نوع پرداخت تنه درختان و تا حدودی تکنیک به‌کاررفته برای ایجاد بافت بدنه آنها، ادای دینی است به نقاشی تنه درختان سهراب سپهری.

کتاب باغ و پرنده، گزیده‌ای از نقاشی‌ها، شعرها و مجسمه‌های رضوان صادق‌زاده است که توسط نشر گهگاه و با حمایت گالری عصر منتشر شده است. برای تهیه این کتاب می‌توانید به گالری عصر، کتابفروشی‌های معتبر سراسر کشور و فروشگاه آنلاین پیشگاه مراجعه کنید.